

عدالت ، یکی از بارزش ترین و پیچیده ترین مفاهیم در اندیشه بشری است که در محدوده خواسته های فردی و اجتماعی انسان قرار دارد. این موضوع ، محور اصلی رویکردها و نظریه های مکاتب مختلف دینی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است . اسلام به عنوان دینی که مدّعی کامل ترین برنامه برای زندگی انسان است ، بیش از سایر ادیان ، این مفهوم را مورد توجه خود قرار داده است و تأکید زیادی بر آن به عنوان یک ارزش در مناسبات فردی و اجتماعی نموده است .

در اسلام ، عبادت ، با هدف قرب و نزدیکی به خداوند صورت می گیرد و این قرب و نزدیکی ، مستلزم شناخت هر چه بیشتر صفات الهی است . عدل نیز یکی از صفات الهی است که به دلیل جایگاه ویژه و اهمیت خاصی که دارد ، از آن با عنوان مجموع مُحَسِّنَات یاد می شود.

لزوم برپایی عدل در جامعه اسلامی و این که چرا در اسلام ، تأکید زیادی بر برقراری عدالت شده است ، به راحتی و از طریق نظریات مختلف ، قابل دفاع است که نخستین آنها نظریه «فطرت» است . بر طبق این نظریه ، فطرت آدمی از درون ، او را به عدالت ورزی و عدالت خواهی سوق می دهد و انسان ، همواره از بی عدالتی در رنج است . بنا بر این ، فضیلت عدالت خواهی ، در همه انسان ها وجود دارد و بر این اساس ، پایه تعالیم اسلام نیز بر مبنای اصلی ثابت و جاودان قرار دارد. به طوری که اصل عدالت ، یکی از مقیاس های اساسی سنجش اعمال در اسلام است و راه رسیدن افراد به کمال لایق خودشان عبور از مجرای عدالت است . عدالت ، تنها میزان و معیاری برای ارزشیابی زندگی فرد و خانوادگی و اجتماعی انسان نیست ، بلکه تمام هستی و نظام آفرینش نیز بر اساس معیار عدل و تعادل ، استوار و پا بر جاست . حضرت علی (ع) در این رابطه می فرمایند: «عدالت ، ملاک هر چیز است».

1

عدالت در اسلام

در دینی که به همه وجوه انسانی توجه شده و راه کارهای مناسب را برای سعادت و کمالات انسانی قرار داده است ، توصیه به عدالت نیز مصداقی از الطاف خداوند به بندگان است . از این روست که در آیات متعدد قرآن کریم ، شاهد تأکید فراوان خالق هستی بر رعایت قسط ، عدل ، انصاف و برابری هستیم . قرآن می فرماید:

«محققاً خدا به عدل و احسان و بذل و عطا به خویشاوندان دستور می دهد و از فحشا و منکر و ظلم ، منع می کند».

2 «عدالت بورزید؛ زیرا به تقوا نزدیک تر است».

3

در باب شأن و منزلت عدالت در دین و تعالیم اسلامی ، همان بس که انبیا و اولیای الهی ، بویژه امام علی (ع) بارها و به مناسبت های مختلف به آن سفارش کرده اند و در قرآن کریم هم آیات متعددی در این زمینه وجود دارند که می فرمایند: «پیامبران را با مشعل های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا مردمان ، عدالت را بر پا سازند».

4

به طور کلی ، عدالت در دو بعد خُرد و کلان و یا فردی و اجتماعی مطرح می شود. در اسلام ، «عدالت فردی» عبارت است از این که شخص ، خود را به فرمان های خداوند و اخلاق، پایبند بدارد و به ارزش های اخلاقی ، آراسته سازد و «عدالت اجتماعی» آن است که نسبت به دیگران به انصاف عمل کند و ستم روا ندارد. بدیهی است که عدالت اجتماعی ، پیش زمینه هایی می خواهد که نخستین آنها، اعمال عدالت فردی و پالایش نفسانی است تا از طریق این ممارست و تحوّل و ارتقای تدریجی شهروندان ، عدالت در اجتماع تحقّق یابد.

چند تعبیر از عدالت

به گمان ما، از میان رویکردهای متعددی که به عدالت شده است ، جامع ترین آنها رویکرد شریعت اسلام است که ما قصد داریم از این منظر، عدالت افراد در مواجهه با اجتماع را مورد بررسی قرار دهیم ؛ اما قبل از آن ، نیازمندیم تا برخی از تعبیر مختلف از مفهوم عدالت را بر اساس تعالیم و شعائر دینی بیان کنیم . چندین تعبیر متعدد از مفهوم عدالت در دست است که این ، به معنای تفکیک و یا تفاوت در آنها نیست ، به گونه ای که تمام این تعبیر می توانند بر مصداق واحدی صدق کنند. برخی از این تعبیر، عبارت اند از: 1. عدالت ، «قرار دادن هر چیز در جای خودش» است . حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «عدالت ، کارها را بدان جا می نهد که باید. 5

2. عدالت به معنای «استقامت در شریعت» هم تعبیر شده است . 6

3. عدالت در پاره ای آیات و روایات ، به منزله «اعتدالگرایی و میانه روی» بیان شده است 7 .

4. عدالت به معنای «قرارداد اجتماعی افراد برای تقسیم کار در زندگی مدنی» نیز آمده است . 8

5. عدالت به معنای «انصاف» است .

در این مقاله بر آنیم تا تعبیر پنجم ، یعنی عدالت به معنای انصاف ، و در بُعد اجتماعی آن را مورد بحث قرار دهیم .

عدالت به معنای انصاف

عدالت با مفاهیمی همچون انصاف و اعتدال ، رابطه مستقیم دارد. بعضی ها در تعاریف عدالت گفته اند: «حالت نفسانی ای است که انسان را در همه امور و احوال ، به تعادل و میانه روی رهبری کند». 9 این امر، نیازمند آن است که افراد با روحیه معتدل و اعتماد به نفس کافی ، بتوانند در شرایط و موقعیت های متعدد، مناسب ترین واکنش را نشان دهند. این تعادل و خویشتنداری در امور، پیش فرض ها و اقتضائات خاصی دارد که از جمله آنها می توان به تلاش فردی در پالایش روح داشتن و شناخت و آگاهی کامل از وظایف (بر اساس عقل و تعالیم دینی و علم) 10 و همین طور شناخت اجتماع و دنیای پیرامون اشاره کرد تا بر اساس آن ، فرد بتواند راه اعتدال و انصاف را از افراط و تفریط ، باز شناسد.

بنا بر این ، انصاف ، پیش از آن که یک مقوله فردی باشد، یک مقوله اجتماعی است و در اجتماع و مناسبات و روابط اجتماعی ، معنا و مصداق می یابد.

دینی که مسلمانان را برادران یکدیگر نام می نهد، دستور به حکمی می دهد که بر پایه آن ، جامعه مسلمین استوار گردد. حضرت امیر (ع) می فرمایند: «انصاف ، دل ها را به یکدیگر پیوند می دهد». 11 این روایت ، دیدگاه

جامع نگرانه حضرت را در ارتباط با انسجام اجتماعی مسلمانان بیان می کند و این که انصاف به نوبه خود، کارکردی مقدّس در جلوه گر ساختن صفات الهی و پرورش خصال نیکو در افراد و جوامع دارد که هر دوی این ابعاد برای رساندن بشر به قله کمالات انسانی، مورد تأکید و اهمیت فراوان است.

انصاف با دوست و دشمن

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است

با دوستان، مروت! با دشمنان، مدارا!

بارها این بیت از حافظ را شنیده ایم، اما مصداق بارز توصیه به انصاف با دوست و دشمن، تأکید صریح قرآن است که می فرماید: «با دوست و دشمن خود به عمل و انصاف عمل کنید که این روش، به تقوا نزدیک تر است و همواره از خشم خدا بیمناک باشید که خداوند به آنچه می کنید آگاه است». 12

انصاف، یعنی به شایستگی و در خور استحقاق هر کس یا چیزی، با آن رفتار کردن و این که در مناسبات و روابط اجتماعی و حتی در ارتباط با طبیعت، میل فردی کنار گذاشته شود و با ضابطه اخلاق، اهمیت این موضوع به قدری است که حتی در برخورد با دشمنان و افرادی که معتقدیم در حقمان بدی کرده اند نیز توصیه به انصاف شده است. 13

انسان ها در اجتماع، با یکدیگر گُنش متقابل دارند و اسلام هم دینی است که رُبط اجتماعی را مورد ستایش و توجه بسیار زیادی قرار داده است تا آن جا که دشواری در عمل کردن به آن را هم مانع از انجام دادن آن نمی داند. این مطلب که آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم نپسند، توجه به رعایت انصاف در مورد دشمنان را هم می رساند. این که در اسلام حتی در برخورد با دشمنان با انصاف توصیه شده، به این خاطر است که چه بسا این انصاف، دشمن را از کینه ورزی باز دارد و خود، منشأ همبستگی اجتماعی گردد. خداوند می فرماید: «ای اهل ایمان، در امر عدالت و انصاف ایستادگی کنید، برای خدا گواهی دهید، هر چند آن گواهی به زیان خود یا پدر و مادر یا نزدیک ترین خویشان باشد». 14

پایه و بنیان هستی، عدالت است و عدل الهی در مورد تمامی موجودات به کار می رود، بنا بر این، انسان که خلیفه الله و نماینده خداوند در زمین است، موظف است تا عدل را بر پا دارد. بسیاری از آیات که در آنها به برآوردن حقوق دوستان و همین طور توصیه های اخلاقی و پرهیز از گناهای چون حسد، غیبت، کینه، دروغ و نفاق و... تأکید فراوان شده است، همگی الزام به برخورد اعتدال آمیز و منصفانه را گواه اند. اگر در انصاف با دشمنان، افراد باید بعضی از منافع خود را نادیده بگیرند، به این دلیل است که اسلام، جمع را بر فرد، ترجیح می دهد و حتی عدالت را از بخشش، بالاتر می داند؛ 15 زیرا معتقد است عدالت، تدبیر کننده ای به سود همگان است و بخشش به سود خاصگان.

پیامدهای استقرار عدالت

برقراری انصاف و عدالت، آثار مثبت بسیاری در پی دارد. که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. حفظ دین «دین و امانت خویش را با انصاف دادن درباره خود و عمل به عدالت در بین مردم پاسداری کنید».

16

2. پیروزی و عزّت: «پیروزی جوان مردان، به عدل و نیکی است». 17

3. افزایش نعمت ها : «به وسیله عدل ، برکت ها دو چندان می شود». 18
در اسلام ، عمل به عدالت ، حتی برتر از عبادت شمرده شده است ؛ زیرا پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «یک ساعت به عدالت رفتار کردن ، بهتر از عبادت هفتاد سال است که شب هایش را به نماز بگزاری و روزهایش روزه باشی ، و ظلم و ستم یک ساعت نزد خدا بدتر و سنگین تر است از گناهان شصت ساله است». 19

پی نوشت ها :

1. غرر الحکم ، ج 1، ص 57، حکمت 216.
2. سورة نحل ، آية 4.
3. سورة مائده ، آية 8.
4. سورة حدید، آية 25.
5. نهج البلاغه ، حکمت 437.
6. لسان العرب ، ابن منظور، ج 9، ص 83.
7. همان ، ص 85.
8. غرر الحکم ، ج 1، ص 47، حکمت 156.
9. کیمیای سعادت ، امام محمد غزالی .
10. درباره ضرورت «خودسازی» و «آگاهی» برای عدالت ورزیدن ، ر. ک : مدارا و مدیریت ، عبد الکریم سروش ، ص 335 (دانش و دادگری)؛ روزنامه اقبال ، ش 135: «عدالت و اخلاق»، عبد الکریم سروش . [بخش علمی]
11. غرر الحکم ، حکمت 570.
12. سورة مائده ، آية 8.
13. غرر الحکم ، حکمت 2403.
14. سورة نساء، آية 135.
15. نهج البلاغه ، حکمت 437.
16. شرح غرر الحکم ، ج 1، ص 64.
17. همان ، ج 2، ص 5.
18. غرر الحکم ، ج 2، ص 119.
19. مشکاة الانوار ، ص 544.

منابع

طایر فرّخ پی ، مصطفی دلشاد تهرانی ، تهران : انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، 1379.
عدالت اجتماعی در اسلام ، سید جمال الدین موسوی ، تهران : مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1380
اخلاق و عدالت ، محمد رفیع محمودیان ، تهران : انتشارات طرح نو، 1380.
دو فصل نامه نقد و نظر ، شماره دوم و سوم ، بهار و تابستان 1376.

